



صنعتگران و خوشنویسان هرات

در عصر تیموریان

حصه (۱۱)

سیرت و اخلاق او بی اندازه محبوب و تربیت خانواده کی اش فوق العاده عالی بود صحبت شیرین داشت . در دوستی و در فراق صمیمی بود در آشنائی و محبت تکلف و تشریفات را نمی پسندید. سنه تولد و تاریخ وفات او مانند اکثر هنروران آن وقت بدست نیامده . و در باب اینکه مسافرانی در محالک همجوار نموده یا خیر در هیچ يك ماخذی تذکار نشده است صاحب حبیب السیر میگوید : «سلطان محمد خندان با وجود حسن به لطف طبع موصوف است و به صحبت اهل عیش و طرب مشغوف و حالا در بلده فاخره هرات توطن دارد گاهی به نسخ شریفه می نگارد . و ازین چند سطر مختصر معلوم میشود که وی تا سال ۹۳۰ که سنه تمام حبیب السیر است حیات داشته و در هرات میزیسته است ذوق سلطان محمد خندان در صنایع ظریفه آنها محدود به خوشنویسی و شاعری نبوده بلکه در موسیقی نیز دستی داشته و از جمله نیرامه رانه می نواخته است .

درایت : اسم او عبدالله است پدرش محمد جعفر هروی متخلص به کفایت است که ترجمه حال او را در ردیف کاف مطالعه خواهند فرمود. عبدالله لقب درایت خان را از شاه جهان ، شاه مغلی هند دریافت نموده است .

خط شکسته را بقول مولانا غلام محمد صاحب تذکره خوشنویسان از پدر خودش جعفر کفایت وجد خویش محمد حسین بمراتب بهتر و زیباتر می نوشت و در آن چندین طرز دیگر اختراع نموده بود غلام محمد مرصوف در تذکره خویش میگوید : « جریده دستخطی عبدالله درایت را مطلقاً و مذهب بخط خفی و جلی که بنظر فقیر در آمده کسی ندیده باشد » (۱)

دوست محمد : اسم پدرش سلیمان و از خوشنویسان معروف قرن دهم هرات است در خوشنویسی به تمام خراسان (افغانستان) و فارس شهرت زائدالوصفی حاصل کرده بود از خطوط متداول چندین خط مخصوصاً نستعلیق را بی اندازه مقبول و زیبا می نوشت . در عصر صفویان فارس مسافرتی به فارس نموده و به نزد طهماسب صفوی تقرب جستیم است چنانچه این امر از اثر خطی کرا انبهای او که در موزه زیارتگاه قم محفوظ است واضح میشود اثر مذکور عبارت از نسخه قلمی قرآن کریم است که بر ح - ب فرمایش شاه طهماسب صفوی در سنه ۹۶۸ هجری قمری نوشته شده است (۲)

پوشگاه علوم از مطالعات فرهنگی

ذواللمکین : میر باقر ذوالکمالین پدر خطاط معروف میر علی هروی بوده (۳) و از مفاخر قرن نهم هجری و از ستارگان آسمان فضل و هنر آن عصر بشمار میرود . چندین خط را بکمال زیبایی می نوشت و بکلمه آنها مقام استادی را احراز نموده بود .

میر باقر نه تنها خطاط و صنعتگر بلکه دارای تالیفات و تصنیفات زیاد بود .

- ۱- تذکره خوشنویسان مؤلفه مولانا غلام محمد هفت قلمی دهلوی .
- ۲- کتاب پیدایش خط و خطاطان . شماره ۱۸۶۷ مورخه یوم شنبه ۲۰ خرداد سنه ۱۳۲۰ سال ۷ روزنامه فرانسوی ژورنال طهران طهران به مقاله « آثار محفوظ در موزه زیارتگاه قم » مراجعه شود
- ۳- صفحه ۱۴۵ خط و خطاطان مؤلفه عبدالمحمد ایرانی طبع هند .

از جمله کتابی نوشت و در آن شرح را که خواجه نصیرالدین طوسی بر اشارات شیخ الرئیس ابوعلی سینای بلخی نگاشته بود، رد کرد. فصاحت کلام و منطق بیان او را از همین اثرش می توان درک کرد.

سنه تولد و وفاتش معلوم نیست و حیات با افتخارش در پرده فراموشی مجهول مانده. تنها اینقدر معلوم است که زمانی از هرات عازم هندوستان گشت و به نزد جیپال نام حاکم لاهور تقرب حاصل نموده است. جیپال مذکور از میر باقر درخواست مرفعی نمود و میر هم آنرا پذیرفته نسخه بغایت نیکو تمام کرد و بصورت نحنه بوی تقدیم داشت جیپال از دریافت آن در کرانمایه بی اندازه مسرور گردیده با اعطای چهار هزار دانه طلای سرخ از وی تقدیر نمود. چون میر صاحب همت بلند بود از قبول نمودن انعام پادشاه امتناع و رزید قرار گرفته صاحب خطاطان به عمر هشتاد و هفت سالگی در هندوستان وفات کرده است.

«ر»

رستم علی: در هر ماخذ و مدر کیکه سراغ این اسم مراجعه میکنیم به جز يك يادو کلمه مختصر چیزی بیش در باره آن نمی یابیم. ولی با آنهم مطلب کلمی ما که عبارت از مناسبت خویشی او با استاد بهزاد هروی باشد از همه جا بدست می آید. رستم علی خواهرزاده کمال الدین بهزاد هروی و از طرف پدر از نجیب زاده گان هرات بشمار میرود. مشا را لیه خطاط و خوشنویس معروف بوده و این هم درست معلوم نیست که در نقاشی و تصویرنگاری آشنی داشته یا خیر؟

مگر تا جائیکه یقیناً می توان نظر به داد رستم علی نقاش هم بوده زیرا اکثر آ خطاطان و خوشنویسان قدیم کتب و قطعات و مرقعات قلمی خود را شخصاً خود آنها منقش و طلا کار می نمودند.

تاریخ وفات و سنه تولد او بدست نیامده ولی از روی حدسیکه به یقین نزدیک باشد میتوان گفت که باید هر زمان سلطان حسین باقر یا پسر ص و وجود گذاشته باشد چون عصر فرخنده این پادشاه هنر دوست هرات یکی از دوره های درخشان و مشتع صنایع ملی افغانستان بود رستمعلی صنعت خد شنبوسی را بر حسب ذوق خود یا مصلحت امامی خودش استاد بهزاد به نزد استادان وقت که همه از محبان

واراد نمندان بهزاد بودند آموخت و درین فن سرآمد استادان شد. این خوشنویس معروف هرات پس از دوره سلطنت سلطان حسین بایقرا بر حسب شهادت نواریغ به تبریز و فارس مسافرت کرده در آنجا به خوشنویسی مشهور گشته است چنانچه مولانا دوست محمد کتابدار بهرام میرزای صفوی از او چنین توصیف میکند:

«عمدة الکتاب فی زمان نکارندة خط خفی و جلی، مولانا کمال الدین رستمعلی که در ریز نویسی زیب و زلیت کتاب زمان و بحسن تمکین سرآمد دوران، مسافرت رستم علی بفارس شاید از روی کدام امر اجباری نبوده باشد بلکه میتوان گفت که از هرات بقصد دیدن امامای خود استاد بهزاد بدان دیار رهسپار گردیده است چون در دربار اسمعیل صفوی معرفی گشت و بواسطه صنعت مطبوع خود مورد اعتبار او واقع شد، مدتی در آنجا اقامت گزید. ذوق مندان خوش سواد خط زیبای او را به دیده احتیاق میکشیدند و چون تونیا آنرا در هر کجا سراغ میکردند از روی بعضی احتمالات می توان گفت که رستم علی در حدود سنه ۹۳۵ .. ۹۴۲ بدرود حیات گفته زیرا صاحب عالم آرای عباسی در ضمن تذکار خطاطان و صنعتگران عصر طهماسب صفوی میگوید: «از مرثه خوشنویسان که در آن عصر قلم بر خطوط سایر استادان کشیدند از نستعلیق نویسان جمعی بوده اند که در آن چین جهان فانی را بدرود کرده بودند از آن جمله مولانا دوست هراتی و مولانا رستم علی خواهرزاده بهزاد مصور است.

علاوه برین چیز دیگر یک کتابخانه را پیش از به سنه مرگ رستم علی نزدیک می سازد اینست که «ارمناک بیگ» عضو وزارت معارف و اوقاف ترکیه در ضمن مقابله قبل الذکر خور میگوید: «بهزاد در پهلوی خواهرزاده خود رستم علی خطاط در سنه ۱۵۶۲ دفن شد.» ازین معلوم می شود که رستم علی پیش از بهزاد وفات کرده است و چون بهزاد در سنه ۹۴۲ هجری بدرود زندگانی گفته طبعاً تاریخ وفات رستم علی ارین بیشتر یعنی در حدود سنه ۹۳۵-۹۴۲ می باشد.

رضای برآبادی (میرزا): پدرش محمد کظم است که در زمان تیمور شاه سدوزائی وزیر خالصه جات هرات بوده است. محمد کظم پسر ابوطالب

مایل بن ابوالفتح، بن محمد هاشم بن محمد طاهر بانی هفت بنای خیریه بر ناپاد (حوض حمام، خانه سمت قبله و باغچه مزار خواجه وحیدالدین محمد و تر میم مسجد جامع و تعمیر شفاخانه و حفر نهر) است. و محمد طاهر پسر جلال الدین ارشد است که در زمان سلطان حسین بایقرا از اکابر هرات بوده است.

تولد میرزا محمد رضای بر ناپادی در سنه ۱۱۶۲ هجری واقع شده و از شش سالگی الی شانزده سالگی به تحت تعلیم محمود علی بیگ قاری و میرزا عبدالله مفتون مصروف آموختن خطوط فارسی و عربی بوده است، پس از فراغ تحصیل حسب الا امر تیمور شاه بوکالت غور بان مقرر گردید.

در سال ۱۲۰۶ هجری یدر وزیر خالصه جات هرات شد. در سنه ۱۲۰۷ یعنی بعد از خبر وفات تیمور شاه مورد ناخت و ناز و ابستگان شاهزاده محمود واقع گردیده و مدت ۱۳ سال را در تحت فشار فقر و بیچاره کن بسر رسانید بالاخره در سنه ۱۲۳۰ هجری وفات یافت و در قریه بر ناپاد مر بوط به مجال غور بان مدفون شد. در رسم الخط فارسی و عربی از خطاطان خوب بشمار میسر هست. تذکره الشعرائی هم نوشته و به تعداد شصت حدیث مبارک نبوی (ص) را به رشته نظم در آورده است. قبر او در جنب مزار خواجه وحیدالدین محمد واقع است. (۱)
رهائی (مولانا): پسر اشکان و خطاط و حدیث تمام داشتند آبا واجداد او را نی بوده اند. به سبب حادثات زمان و انقلابات دوران به شیروان اقتادند. و از آنجا بهرات متوطن شدند. رهائی در اوایل حال به خدمت سلطان خلیل شیروانی بوده گویند جوان خیلی زیبا و خلیق بود. در اخیر جوانی بهرات آمد. و باشهزاده های سلطان حسین میرزا آشنا شده در مجالس آنها انس و تر بیت یافت. شهزادگان سلطان موصوف و اراکین دولت به او تکلیف خدمت نمودند و حتی خواستند او را بوزارت یکی از شهزادگان نصب کنند قبول نکرد. علاوه بر خوشنویسی مولانا رهائی طبع و قریحه شعر نیز داشت. (۲)

(۱) کنگلیون سال ۳ مجله ادبی هرات

(۲) ص ۶۴ مجمع الفضا نسخه نقلی.

ز

زینب شهیده : دختر صاحب کمال احمد مفرج ابزی ابیوردی خراسانی بوده در فضائل و حسن خط از اکثر مردان آنوقت فضیلت و برتری داشت . چنانچه با قوت مستعصمی در نزد او تحصیل نموده است . علاوه بر خط خوش و زیبا دارای حلاوت بیان و فصاحت زبان نیز بوده . بعمر هشتاد سالگی در سنه ۵۷۴ هجری وفات کرده است .

س

سایلی : بقول امیر علی شیرنوائی اصلاً از عراق بوده ولی تربیت یافته هنرستان هرات است . در شعر و خوشنویسی و معما شهرت کاملی داشت . در موسیقی نیز استاد ماهر و زبردست بود . و معلوم می شود که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری میزیسته است . (۱)

سلطان علی او بهی : حافظ سلطان علی از مردمان پاکیزه نهاد هرات و مسقط الرأس او اوبه است .

اوبه یکی از مضافات و توابع خیلی معروف و حاصل خیر هرات است که نظر به قدامت و نام تاریخی خویش در اکثر کتب قدیم از او نامی برده شده از این ناحیه مردان نامی و هنروران زبردستی بوجود آمده است .

حافظ علی مرد با تربیت و سلیقه بوده و قریحه او در قسمت خطاطی و خوش طبعی خیلی ها معروف است . اکثر خطوط را خوب می نوشت ولی نستعلیق او بسیار جذاب و زیبا بود در زمان سلطان حسین باقرا شهرت بسزائی پیدا کرده و وی را با امیر علی نوائی معرفت و شناسایی زیادی بوده است .

صحبت سلطان علی خیلی شیرین و جذاب بود . در لباس پوشیدن و نظافت انگشت نامی مصر خود بود . در شعر و شاعری هم استاد ماهری بوده و گاهگاهی که از کتابت

(۱) آثار هرات مورخه خیلی افغان .

و خوشنویسی فراغت حاصل می نمود شعر میگفت و غزل میسر آید. این شعر از او است :
 بیستون را گر کند سیل فنا بنیاد مست کی تواند نقش شیر بن ازد دل فرهاد شست
 راجع به سنه تولد و تاریخ فوت او هر چه نجسس شد کمتر بدست آمد ولی
 چیزی بکته ثابت شده اینست که مولانا حافظ سلطانعلی یکصد و نه (۱۰۹) سال عمر کرده
 چنانچه صاحب تذکره مذکور احباب " (۱)

این ادعای را تأیید میکند و ما آنچه در تذکره مذکور راجع به حافظ سلطانعلی
 مذکور است در اینجا عیناً نقل مینمائیم : «حافظ» سلطانعلی او بهی از جمله فضلاء
 مشهور و سند مصافحه او به پنج واسطه به حضرت سید کائنات و سند مکنونات علیه
 افضل الصلوات و اكمال التحیات حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و سلم
 مع الشیخ العمر رضی الله عنه مع الشیخ ابن العباس مع الشیخ شهاب الدین احمد
 مع الشیخ زین الدین الخوافی مع الشیخ شمس الدین محمد نایب و گانی مع حافظ
 سلطانعلی او بهی رحم الله تعالی .

واعزّه بخارا بیشتر بشرف مصافحه اش مشرف گشته اند و بفقر مزید التفات
 داشت و بعضی مصافحه معزز ساخته بود و در وقت نزع این فقیر بملازمش رسید
 رساله در آن باب بخط شریفش نوشته بود بفقر لطف نمود و بحفظ آن وصیت فرمود نظم :

.....

اگر خطوط را بیکو پیموشت بمولانا سلطانعلی مشهدی که ملک الکتا بست
 متعمر ضانه معامله میگردو این شعر او ناطق به این معنی است :

گرچه آن سلطانعلی از مشهد است لیک این سلطان علی از اوبه است
 حضرت خان شیبانی آیه کریمه فسیکفیکهم الله بقلم جلی نوشته بود و از فضلاء
 خراسان طلب تحسین نموده حافظ در تعریف آن گفته :

ای خان جهان کبیر که از لطف الهی	بر مسند اقبال توئی خسرو جمجاه
تالوح و قلم هست کسی در همه عالم	نموشت بخوبی چو خط خوب بود لخواه
بر خوبی خطت دو گواه بعدا لت	کافیست دو کاف فسیکفیکهم الله

(۱) صفحه ۲۰۸ نسخه قلمی که در نزد فاضل دبا نشمند هاشم شایق افندی موجود است

طبع رفیق داشت و این رباعی را لطیف گفته
 لعلیست لیت که به زیبا قوت تراست
 درجی است دهانت که لبالب کهر است
 بر ماه رخت نه یک هلال از ابروست
 هر موی زا بر ویت هلال و کسر است
 در سن صد و نه رحلت نموده .

از سطور فوق معلوم می شود که حافظ سلطانی در بخارا مسافرت کرده و با سید حسن
 خواجه نقیب الا شراف بخارا صاحب تذکره مذکور احباب دوستی و محبت زیاد
 داشته است و در بخارا قبل از ۹۷۴ که تاریخ تالیف تذکره مذکور است فوت نموده
 و در آنجا دفن شده است .

سلطانعلی قائمی : اگر چه اصلاً از قائم است ولی در هرات تحصیل کرده و هم

در آنجا میزبسته است . از اجاره خو شنو یسان عهد سلطان حسین با بقرا بوده
 چنانچه با مولانا جامی رفاقت تام داشت و هر چه مولانای موصوف برای سلطان حسین
 با بقرا می نوشت او بخط خوش خود نقل میکرد . و هم تذکره مجالس النفاوس
 امیر علی شیر نوائی را خیلی زیبا و خوش خط استنساخ نمود . (۱) تاریخ تولد
 و وفات او مجهول است .

سلطان علی : مو اسینا سلطان علی از خطاطان و خوشنو یسان معروف

هرات است که خطوط و آثار از مانند میناتور های بهزاد قیمت و اشتها را دارد .
 اگر چه به مشهدی معروف است و ای سلطان قمر او در شهر هرات به خدمت سلاطین
 آن ولا گذشته است . مرد با کبر و بزرگوشت و خوشنویس صحبتی بود و در زمان سلطان
 حسین با بقرا شهرت زیادی حاصل کرد . در ننگا رستان هرات استاد بهزاد
 همکار بود و او را یکی از دوستان مقرب این استاد میدانند چنانچه هر کتاب
 و نسخه را که بخط این استاد می نگریم با تصاویر شکفت انگیز بهزاد زینت
 شده است . و آنچه را که بهزاد مصور کرده ضرور اثر خطی سلطان علی در آن
 مشاهده می شود . این استاد از جمله هنروران بزرگ هرات بشمار میرود .

(باقی دارد)

علی احمد نعیمی